

تحلیل و بررسی جنبه‌های اجتماعی آموزه‌های تعلیمی قصاید نظامی گنجه‌ای

عباس رضائی تبار^۱اکبر شعبانی^۲

چکیده

در ادب فارسی از نظامی گنجوی با عنوان شاعری داستان‌پرداز که در حوزه غنایی سرآمد است، یاد می‌شود. این در حالی است که شاعر، در ارتباط با مفاهیم تعلیمی انسان‌ساز، به طور مستقیم یا غیرمستقیم بارها در خمسه و دیوان سخن به میان آورده است. بخشی از این آموزه‌ها ارتباط مستقیمی با ترقی جنبه‌های این جهانی و معنوی یک جامعه دارد؛ در نتیجه کاربست آن می‌تواند مردم را از طرفی با مسائلی که برهم‌زننده نظم اجتماعی و عامل فروپاشی تمدن انسانی هستند، آشنا کند و از طرف دیگر، عناصر تداوم حیات اجتماعی را به آن‌ها معرفی نماید. از این رو، نظامی در آیینة قصاید کوشیده است با مطرح کردن مشکلات اجتماعی و معرفی راه‌حل‌های کاربردی، گام مهمی در جهت اعتلای سطح معنوی جامعه بردارد. به این دلیل، در مقاله پیش‌رو، ابعاد اجتماعی آموزه‌های تعلیمی نظامی در آیینة قصاید بررسی و کاویده خواهد شد. روش پژوهش نیز، توصیفی - تحلیلی است. به نظر می‌رسد که نظامی بیش از همه به موضوعاتی چون «دنیاگریزی»، «عدالت‌پروری»، «توکل به خداوند»، «نکوهش شیخان ریایی» و «دین‌مداری و شریعت‌محوری» توجه دارد.

کلید واژه‌ها:

نظامی، قصاید، اجتماع، آموزه‌های تعلیمی.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور - ایران.

^۲ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور - ایران. (نویسنده مسؤول)

پذیرش: ۹۵/۱۱/۳۰

اعلام وصول: ۹۵/۰۸/۱۵

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارزی که در حوزه ادبیات فارسی بازتاب زیادی دارد، توجه به موضوعات اجتماعی است. در موارد بسیاری، این مسائل در قالب آموزه‌های تعلیمی به مخاطب عام یا خاص ارائه می‌شود. شاعران در آثاری که از خود به یادگار می‌گذاشتند، یا به طور مستقیم به بازگفت دغدغه‌های جامعه می‌پرداختند و یا به روشی غیرمستقیم و در قالب گونه‌های غنایی، عرفانی، حماسی، تعلیمی و ... به شرح و طرح موضوعات اجتماعی مبادرت می‌ورزیدند. با بررسی و واکاوی این مفاهیم می‌توان با شماری از مشکلات جامعه دیرپای ایران و راهبردهای مقابله با آن آشنا شد و به مدد تحلیل دقیق این مسائل، از بروز آن در جامعه کنونی جلوگیری کرد و یا در صورت پیشامد، با بهره‌گیری از راه‌حل‌های ارائه‌شده، درصد رفع آن برآمد. در این بین، نظامی گنجوی یکی از برجسته‌ترین چهره‌هایی است که در قالب مفاهیم تعلیمی به بازگفت دغدغه‌های اجتماعی پرداخته و لایه‌های گوناگون جامعه همچون شاه و درباری و شیخ و ... را نقد کرده است. به این اعتبار، «شعرش مجموعه‌ای از فرهنگ ایران آن زمان است». (مک‌دونالد، ۱۳۷۱: ۴۳۶)

نظامی به خوبی پیوند میان شعر تعلیمی و تبیین دغدغه‌های اجتماعی را درک کرده بود؛ زیرا یک جامعه با خودسازی تک‌تک افراد آن بالنده و شکوفا می‌شود و رسیدن اعضای آن جامعه به معرفت و شناخت درست در سایه توجه به تعالیم اخلاقی میسر خواهد شد. «از خلال قصص، معتقدات، اسطوره‌ها، تمثیلات، آداب، ترانه‌ها و لطیفه‌های یک قوم و قبیله، می‌توان خلُق و خوی، سرشت و سرگذشت آنها را شناخت و سوانح و حوادثی را که بر آنها گذشته، مطالعه کرد». (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۲) از این روست که در خمسه و دیوان نظامی مفاهیم تعلیمی و اجتماعیات بهم گره خورده‌اند.

در این زمینه، شاعر قصیده‌های خود را سرشار از مضامین حکمی و به مثابه جواهر و مروارید می‌داند و معتقد است هر که به گفته‌های پرمغز او توجه نشان دهد، از مطالعه و تدقیق در متون تعلیمی دیگر بی‌نیاز خواهد شد؛ زیرا کسی که از شعرهای چون آب کوثر (اصل) او

بهره‌مند شود، دیگر درباره ارزش و اعتبار سروده‌های دیگران که چون آب زمزم (فرع) است، سخنی به میان نخواهد آورد.

به همین قصیده من که درو ز درج حکمت چه لئالی ست مضمّر، چه جواهرست مدغم؟ ...
سخنم هرآنکه جوید، نرود به نظم دیگر که به کوثر آب خورده، نکند حدیث زمزم
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۳۸)

اجتماعی‌ات در قصاید نظامی بسامد بالایی دارد. پیر گنجه تنها به بیان دردهای جامعه و عوامل فروپاشی هنجارهای اجتماعی بسنده نکرده و در راستای جهان‌بینی فکری خود، راه-حل‌هایی را جهت برون رفت از آن وضعیت نابسامان ارائه نموده است. «نظامی در مقام مصلح اجتماعی و مربی اخلاق، همچون پدری دلسوز، جامعه غرق در فساد و تباهی را می‌نگرد و در منش زاهدی آرمان‌خواه و جدی، هشدار می‌دهد. پیام او بیداری انسان است برای نیل به نیکبختی خویش». (خان‌محمدی و هم‌نسی، ۱۳۹۴: ۱۴۶) به این اعتبار، در مقاله پیش‌رو مهم‌ترین رویکردهای اجتماعی مورد نظر نظامی که در قالب مفاهیم تعلیمی تبیین شده‌اند، کاویده و تحلیل خواهد شد. روش پژوهش نیز، توصیفی - تحلیلی است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با جنبه‌های اجتماعی و تعلیمی شعر نظامی پژوهش‌های ذیل صورت گرفته است: ثروت (۱۳۷۰)، در کتاب خود با عنوان «گنجینه حکمت در آثار نظامی»، ضمن شرح مبسوطی در ارتباط با اصطلاح حکمت، دیدگاه‌های حکیمانه نظامی را با عنوان «تهذیب اخلاق» بررسی و تحلیل کرده است.

افضلی (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی خردنامه‌های فیلسوفان یونان در اقبال‌نامه نظامی» به این نتیجه رسیده است که شاعر در اثر خود با به تصویر کشیدن مشرب فلسفی حکیمان به نوعی سعی در تربیت مخاطب خویش و نصیحت کردن وی داشته است. اصلی‌ترین وجه مشترک هم، عدالت‌طلبی و جورستیزی است.

ناصری و حسن‌زاده (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر» به این نتیجه رسیده‌اند که در پشت پرده داستان‌ها و حکایت‌های هفت‌پیکر، مفاهیم عمیق تربیتی چون خداجویی و توکل و اعتماد به خدا، عدل‌گرایی و ظلم‌ستیزی، فراگیری علم و هنر، خردورزی، ترک تعلقات دنیای ناپایدار، رهایی از حرص و طمع، نکوهش عیاشی، شهوت و هوسرانی، نیکی‌اندیشی و بیزاری از بدگوهران و دوستان منافق، اهمیّت تلاش و مشاوره با اندیشمندان در اداره امور مملکتی، بخشش و احسان، رعیت‌نوازی و ... وجود دارد که رعایت آن‌ها انسان را در دنیا و آخرت رستگار می‌کند.

قیصری و مهری‌نژاد (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «تأثیرپذیری حافظ از نظامی در آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی» نشان داده‌اند که نظامی همچون جامعه‌شناسی آگاه، به بررسی رفتارهای مردم جامعه زمان خود می‌پردازد و شعرش آینه تمام‌نمای رفتارهای فردی و اجتماعی زمانش است که توانسته آن را به بهترین شکل به تصویر بکشد. حافظ نیز، در پاره‌ای از موارد از کلام نظامی تأثیر پذیرفته است، اما مقلد او نیست. حافظ به طور کلی از شعر نظامی به دو صورت استفاده می‌کند: یکی گرفتن مضامین و دیگر قالب‌های شعری.

خان‌محمدی و همّتی (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «انعکاس آموزه‌های تعلیمی در خمسه نظامی» به این نتیجه رسیده‌اند که نظامی مبلّغ فضایی است که منجر به عینی‌شدن آرمان‌شهر ذهنی او می‌شود. آرمان‌شهر او شهری است مبتنی بر انسانیت و انسان‌سازی. بخشی از آموزه‌های تعلیمی او مبتنی بر معرفت است. همچنین، تعلیمی بودن شعر نظامی به هیچ وجه منجر به از بین رفتن خیال‌انگیزی و لذت‌زیبایی‌شناسانه شعر او نشده است.

مشهور و جلیلی (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان «تأثیرپذیری تعلیمی روضه‌الانوار خواجه‌ای کرمانی از مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی» به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین رویکردهای عمده تعلیمی ستایشی دو شاعر به ترتیب بسامد بر ستایش موضوعاتی چون خرد و اندیشه، فروتنی و فراموش کردن خود، بخشندگی و کرم، دستگیری از خلق، توسل به خدا و اطاعت از او، توجه به دل، همنشین خوب، خموشی و کم‌گویی تأکید دارد. در ارتباط با

دیدگاه‌های تعلیمی نکوهشی نظامی و خواجه‌وهم، می‌توان به نکوهش مواردی چون دنیا و متعلقات آن، بی‌عدالتی و ستمکاری، ظاهرپرستی و ریاکاری اشاره کرد.

مؤلفه‌های اجتماعی - تعلیمی قصاید نظامی گنجه‌ای

۱- نکوهش دنیا و مظاهر آن

رویکرد پیر گنجه در پیوند با دنیا و وابسته‌هایش منفی است و مخاطبان خویش را از نزدیک شدن به آن برحذر می‌دارد؛ چراکه از زیان‌های روحی و جسمی وابستگی به دنیا آگاه است. (مشهور و جلیلی، ۱۳۹۵: ۱۹۳) این مقوله در قصاید نظامی بازتاب فراوانی دارد؛ زیرا «تربیت معنوی انسان صرف نظر از فرق و مذاهب مورد نظر شاعر است و همه جا مردمان را به ترک دنیا و تربیت نفس و قبول رنج و مشقت تن دعوت می‌کند». (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۱۷۰) در مجموع، دنیا ستیزی نظامی را می‌توان در پنج بخش «بی‌اعتباری و پیمان‌شکنی دنیا»، «نکوهش گردون»، «دوری‌گزینی از دنیا»، «نکوهش ابنای روزگار» و «خوارداشت نفس امّاره» دسته‌بندی کرد. از این بین، بی‌اعتباری و پیمان‌شکنی دنیا از بسامد بیشتری برخوردار است که این امر، با توجه به نحله عرفانی شاعر که بر تزکیه و تحلیه درون تأکید دارد، بدیهی می‌نماید. «گرچه نظامی مانند عطار و مولوی به عنوان عارف شناخته نشده، بلکه همه او را حکیم می‌دانند، اما مثنوی‌های او ... سرشار از اصطلاحات عرفانی است». (شاکر، ۱۳۸۷: ۵۴)

۱-۱- بی‌اعتباری و پیمان‌شکنی دنیا

از دید شاعر، چیزی که از اعتماد به این جهان بهره و نصیب آدمی خواهد شد، جز غم و رنج نیست؛ بنابراین، گوشزد می‌کند که نباید چندان به این درخت امیدوار بود تا بار دهد و سودی برساند؛ به عبارت دیگر، «دوستی با دنیا و همنشینی و هم‌نفسی با او نتیجه‌ای جز پشیمانی و خسران ندارد». (خان‌محمدی و همّتی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) نظامی بر این باور است که انسان خردمند هرگز در برابر این چرخ کبود و مظاهر آن شاد نمی‌شود؛ زیرا می‌داند که مانایی و پایایی آن مشخص نیست.

صفرای غم چو گیردشان آسمان دهد
 در باغ آسمان، که سراسر خم است و پیچ
 بر جای ناردان شرر آتش عنا...
 جز میوه کجی ندهد شاخ استوا
 (نظامی، ۱۳۶۲: ۲۱۹-۲۱۸)

چه دهد مرا زمانه به کف از چمانه غم
 به بساط بزم گیتی قدح ستم دمادم
 (همان: ۲۳۷)

مرغ زیرک نشود شاد برین چرخ کبود
 ای بسا برج که زندان کبوتر گردد
 (همان: ۲۲۲)

نظامی معتقد است آدمی در این چمن (استعاره از دنیا) همه داشته‌هایی را که روزی به او داده شده بود، از دست خواهد داد. او برای تبیین هرچه بهتر سخنش، خودش را مثال می‌زند و می‌گوید قدّ چون الفش خمیده شده و تندباد حوادث برکت را از زندگی وی دور ساخته است و آشکار شدن موی سپید بر سرش، سنگ لحد و مرگ را به او یادآور می‌شود. دندان‌هایی که دیگر اثری از آن نیست و جفای چرخ آن‌ها را نابود کرده است. نظامی با مطرح کردن چنین حالاتی قصد دارد به مخاطب خود نشان دهد تمامی موهبت‌هایی که روزگار به آدمی می‌بخشد، عاریتی و موقتی است و به کسی وفا نمی‌کند.

درین چمن که ز پیری خمیده شد کمرم
 نه سایه‌ای است ز نخلم، نه میوه‌ای کس را
 ز شاخ‌های بقا بعد از این چه بهره برم؟
 که تند باد حوادث بریخت برگ و برم
 بیا که موی ز کافور می‌دهد خبرم
 سپهر با قد خم گشته می‌کند لحدم
 (همان: ۲۳۹)

۱-۲- نکوهش گردون

نظامی این جهان را با صفاتی چون «مکار» و «طرفه‌کار» به مخاطبان‌ش معرفی می‌کند تا با این شیوه توجه آن‌ها را به نگرش‌های تعلیمی دنیا ستیزانه‌ای که دارد، جلب نماید. از دید او، جهان در حکم گنده‌پیری است که رنگ و لعابی به مظاهر مادی بخشیده، آدمی را به طمع

می اندازد و شعله حرص و آز را در نهاد وی شعله‌ور می‌سازد و چون ماری زهرآگین نیش می‌زند.

گردون سیمیایی مکار طرفه‌کار آورده نظر دو سه چندی بشرنما
(همان: ۲۱۸)

گنده پیری است جهانی که مطراً کرده حرص تو هر چه برو مهر فراوان آرد
(همان: ۲۲۷)

هم ز بازی‌های این زرق کافوری است اینک مار بر کافور خسبد، اژدها بر گنجدان
(همان: ۲۴۶)

۱-۳- دوری‌گزینی از دنیا

توصیه‌ای که پیر گنجه در برابر دنیا، این مادر بد مهر ارائه می‌دهد دوری‌گزینی از آن است؛ زیرا به هیچ طریقی امکان سازش با دنیا و نمودهایش وجود ندارد. «اظهار وحشت از دنیایی که لذت و زیبایی آن، عمر انسان را مصروف جستجوی آن می‌دارد و وی را به ارتکاب هرگونه خطر و هرگونه تجاوزی تشویق می‌کند، تقریباً در کلام تمام وعظ و حکما و پیامبران عالم هست و البته ناظر به الزام انسان در رعایت تعادل در حیات زمینی اوست». (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۴۵) نظامی که خودش را هم، از خطر گرفتار آمدن در دام دنیا برکنار نمی‌داند، چاره را در دست کشیدن از جادوگر کهن سال می‌بیند و می‌گوید:

ای نظامی، ز سر این چنبر ازرق بگشای پیشتر زانکه گریبان تو لنگر گردد
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۲۶)

نظامی عقیده دارد که آدمی پیش از زمین‌گیر شدن باید از دنیا دور شود و سر از فرمانبرداری و متابعتش بردارد. به باور شاعر، با دل‌کندن از گیتی، فروغ حقایق معنوی بر دل و جان آدمی تابیده می‌شود و حجاب‌های عالم ماده در نظر او از بین می‌رود؛ حجاب‌هایی که عامل اصلی نادانی آدمی است. بنابراین، هر انسانی باید همه نشانه‌های این جهانی را در اندیشه، گفتار و کردار خود از درجه اعتبار و اهمیت ساقط کند.

تاجهان حرف نگشت، این حرف را درکش قلم
 از جهان بردار دل، تا از تو بردارند جهل
 هر چه دامن تا گریبان دستیار خواجگی ست
 تا فلک قلبت نخواند، این قلب را برکش بنان
 کین گران بندت نگیرد، گر تو را بیند گران
 جمله را در آستین نه، آستین را برفشان
 (همان: ۲۴۱)

۱-۴- نکوهش ابنای بزهکار روزگار

نظامی مخاطبان خود را به فاصله گرفتن از افراد بزهکار و نامتعادل جامعه فرا می خواند. او برای تبیین هرچه بهتر منظور خود مثالی می زند و می گوید همان طور که روح از تن جدا می شود، باید از مردم دوری گزید. واضح است که هدف شاعر دعوت به خلوت گزینی صرف و کناره گیری از اجتماع نیست، بلکه توصیه می کند تنها از نزدیک شدن به خَلقان غول صفت، مگّار و بی مروّت پرهیزند.

گر عاقلی جدا شو از ابنای روزگار
 زان بیشتر که روح شود از بدان جدا
 خلقند غول شیوه، چه گردی به گردشان؟
 با غول کس نگشته درین وادی آشنا...
 از کس وفا مجوی، کزین بی مروّتان
 معدوم شد مروّت و منسوخ شد سخا
 (همان: ۲۱۸)

۱-۵- خوارداشت نفس اماره

در نگاه اهل معرفت و تربیت، بزرگترین دشمن انسان نفس وسوسه گر است، به طوری که آن را پلیدترین نمود دنیای این جهانی «و منشأ اخلاق سیئه در وجود آدمی» دانسته اند. (گوهرین، ۱۳۸۸: ۳۳/۱۰) توجه انسان به خواسته‌های پایان ناپذیر نفس او را به ورطه هلاک می کشاند و موجب سقوط اخلاقی و معنوی وی می شود. از طرف دیگر، بروز چنین شرایطی به جامعه آسیب می رساند و دامن افراد دیگر را خواهد گرفت. به این دلیل، نظامی به مخاطبان خود توصیه می کند با نفس خود به گونه‌ای رفتار کنند که چون ساق نبات خشک و بی رمق شود؛ زیرا در این صورت می توانند از پلیدی‌های آن در امان باشند. شاعر، دوران جوانی را برای تحقّق این امر توصیه می کند؛ زیرا در این سالها عزم و توان آدمی افزون تر از دوره‌های دیگر است.

آن عمل کن که شود نفس تو چون ساق نبات
 کوش تا شهوت خود را به جوانی شکنی
 آن نه کین نفس نباتی به صنوبر گردد
 کاژدها گردد ماری که معمّر گردد
 (نظامی، ۱۳۶۲: ۲۲۵)

نفس اگر پیر شود سهل نباشد، زان روی
 کاژدها گردد ماری که کهن تر گردد
 (همان: ۲۲۲)

۲- ستایش عدالت پروری و نکوهش ستم‌ورزی

عدالت‌ورزی و مبارزه با ستم اصلی بنیادی در بقا و ماندگاری یک جامعه است. بی‌تردید، یک جامعه بر پایه کفر و بی‌دینی ادامه حیات می‌دهد، ولی با تکیه بر بیداد و ظلم هرگز. رواج بی‌عدالتی در جامعه موجب از بین رفتن حس اعتماد و یکدلی در میان مردم و پیدایش تفرقه و اختلاف طبقاتی و ... خواهد شد؛ بنابراین، بدیهی است که توجه به این مقوله در ادب فارسی بازتاب ویژه‌ای داشته باشد. نظامی هم، در قصیده‌های خود به پادشاه و کارگزاران او توصیه می‌کند که برای برقراری عدالت بکوشند. شاعر در ستایش دادگری می‌گوید شحنه‌ای که اهل انصاف باشد به مقام میری و بزرگی دست می‌یابد و میر عادل، در نهایت پادشاه خواهد شد.

شحنه که انصاف دهد، دولت میری یابد
 میر چون عادل باشد، شه کشور گردد
 (همان: ۲۲۴)

به باور نظامی، عدالت‌پروری شاهان بی‌پاسخ نمی‌ماند و رفتارهای بخردانه آن‌ها مایه سعادت اخرویشان خواهد شد. «بنابراین شاهان دادگستر و عادل نیک انجام هستند؛ زیرا با دادگری خانه آن جهانی خود را آباد کرده‌اند. خانه‌ای که در اثر دعای نیک مردم بنا نهاده شده است.» (مشهور و جلیلی، ۱۳۹۵: ۱۹۶) از دید نظامی، شاهان برای برقراری عدالت در جامعه به این مقام برگزیده شده‌اند و نباید از وظیفه خود عدول نمایند. پیر گنجه در توصیف بی‌ارزشی کشورداری و حکومت بیان می‌کند که این خصیصه‌های مادی در قیامت نه تنها امتیازی برای شاهان محسوب نمی‌شوند، بلکه به نوعی دشمن آن‌ها هستند. در نهایت، اشاره می‌کند که بیداد سلطان و ستاندن مالیات سنگین از مردم فقیر، جز ریخته‌شدن آبروی ستمکار فایده‌ای نخواهد داشت.

دست عدلی را که آری بر سر یک زیر دست
 در لحد خورشید یابی، در قیامت سایبان

ظالمی کم کن که بر فتراک عدلت بسته‌اند
 ظالمان را در قیامت خصم باشد مملکت
 گر ز تو عدلی نیاید، ظلم را درکش عنان
 حشویان را در مسافت چاه یابی نردبان
 نان کس مستان و آب خود مبر، گر عاقلی
 تا فرشته از شیاطین خواندت جزیت ستان
 (نظامی، ۱۳۶۲: ۲۴۵-۲۴۴)

نظامی خطاب به دولتیان می‌گوید که همچون کرم خون‌خواره رفتار نکنند و به آزار و اذیت مردم نپردازند؛ زیرا برپایی عدالت مایهٔ افزایش زندگانی و سعادت اخروی است. در مقابل، آنکه در اندیشهٔ پایمال کردن حق و حقوق مردم باشد، بهرهٔ چندانی از زندگی نخواهد برد. به باور نظامی، روا داشتن ستم در جامعه عاملی اصلی فروپاشی یک نظام حکومتی است. پیر گنجبه در ادامه، با زبان هشدار و تحذیر سلطان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید باید از روزی که مظلومان سر به شورش برمی‌دارند، ترسید و سفارش می‌کند پیش از آنکه کار از کف برود، در اندیشهٔ نهادینه کردن دادگری در جامعه باشد و حق زمین خوردگان را به آن‌ها بدهند.

کرم خون خواره مشو تا نشوی اندک عمر
 که بسی زی نبود هر که بسی خور گردد...
 ملک تو رخنه ز خون خوردن مظلومانست
 حیض خورشید خورد مه که مجدر گردد...
 وای آن روز که در کشمکش مظلومان
 بر سرت هر سر مویی سر خنجر گردد
 (همان: ۲۲۴)

۳- توجه به حق تعالی و توکل به او

جامعه‌ای که در آن باور به خداوند نهادینه شده باشد، از بروز بسیاری از بزه‌ها در امان خواهد بود. همچنین، با توکل به حق تعالی روحیهٔ امیدواری رنگ نمی‌بازد و در نهایت، پویایی اجتماع حفظ خواهد شد. نظامی هم، با نظر داشت این موضوع بارها در این سخن گفته است. از منظر شاعر، هر که با صدق و صفا به خداوند روی آورد، در برابر این رفتار بخردانه مورد بخشش و رحمت الهی قرار می‌گیرد.

هر که از روی خرد روی به یزدان آرد
 از سر صدق و صفا رو به خداوند آرد
 لطف یزدانش همی تحفهٔ غفران آرد...
 کو به صدق دل خود روی به یزدان آرد
 (همان: ۲۲۶)

پیر گنجه غفران الهی را به مثابه درمانی برای دردهایش می‌داند و به مخاطبان خود سفارش می‌کند؛ به حضرت دوست روی آروند؛ زیرا تنها اوست که آبروی بندگانش را حفظ می‌کند. بنابراین، همگی باید شهود حضرت حق را با جان و دل بپذیرند و تنها از وی یاری بخواهند. نظامی عقیده دارد که توکل آدمی تنها باید به خدا باشد، نه به خلق او؛ چراکه فقط خالق از چند و چون خواست‌ها و نیازهای مخلوق خود به طور کامل آگاه است. پیر گنجه می‌گوید با فرمانبرداری از حق، تن و جان خویش را زنده نگه داشته است و اگر چنین نکند و یا از این سعادت محروم شود، زندگانی دیگر برای او ارزش و بهایی نخواهد داشت.

دردمند گنهم کش ز عقوبت ترسم زانکه مر درد مرا عفو تو درمان آرد

(همان: ۲۲۸)

ای برادر در او گیر و از آن روز بترس که درو پرده ز هر نیک و بدی برگیرد

(همان: ۲۳۰)

به تو استغاثه آرم، نه به یاری خلائق ز تو استطاعه خواهم، نه ز گنج شایگانی

به طفیل طاعت تو تن خویش زنده دارم چو نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

(همان: ۲۵۸)

۴- نکوهش شیخان ریایی

جامعه‌ای که در آن سردمداران سیاسی و دینی دچار فساد و ابتذال شده باشند، در خطر بزرگی قرار خواهد گرفت؛ زیرا عوام به تبع بزرگان و زبندگان خود رفتار می‌کنند. در توصیف شیخان ریایی می‌گوید آن‌ها برای به دام انداختن مردم ناآگاه و سلیم از هر ابزار و ترفندی بهره می‌گیرند. او با تشبیهی آمیخته به طنز، شیخ شهر را به مثابه صیادی دانسته که دام تزویر گسترده و در اندیشه شکار مردم است. پیر گنجه به مخاطبان خود هشدار می‌دهد که فریب ظاهر این جماعت را نخورند و هرگز در نزد آن‌ها اظهار نیاز نکنند؛ زیرا در رنج و گرفتاری عظیمی خواهند افتاد.

از بهر صید خلق نهد دام شیخ شهر صیادوار کرده نهان رو در انزوا

بر خوان این فریق مبر دست احتیاج گز بایدت ز خون جگر ساختن غذا
(همان: ۲۱۹)

نظامی که از دغل کاری و شیادی فرقه ریاکاران به ستوه آمده، آن‌ها را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد؛ زیرا با اعمال ریاکارانه خود تخم افترا و بی‌اعتمادی را در جامعه پراکنده کرده‌اند. او می‌گوید به واسطه عدم خلوص شیخان مدعی، سراسر زمین سرشار از پلیدی‌ها شده و بدمهری روزگار نیز، به این دلیل است. شاعر در ادامه از غفلت مردم در برابر چنین افرادی انتقاد می‌کند و آن‌ها را در بروز وضعیت نابسامان کنونی سهیم می‌داند. بنابراین، نظامی سیه‌روزی جامعه را تنها معطوف به عامل حکومت نمی‌داند و بر این باور است که مردم و حکومت در پیوندی دوسویه باعث بروز اختلال در جامعه می‌شوند. او بی‌تفاوتی مردم را در ایجاد نابسامانی‌های اجتماعی همان اندازه اثرگذار می‌داند که ستم‌پیشگی شاهان را.

لعت به انتهای چنین فرقه دغل آن لعتی که یافته شیطان در ابتدا
زیرا به جای دانه اشک این زمان پسر ریزد به خاک جسم پدر تخم افترا
روی زمین گرفت نجاست، ازین سبب بالا کشیده است فلک دامن قبا
غفلت چنان زمین و زمان را فرا گرفت کز جذب گاه کرده فراموش کهربا
(همان: ۲۱۹)

۵- دین‌مداری و توجه به شریعت

دین و شرع از برای تعالی جسمی و معنوی آحاد بشر و به تبع آن، جامعه تبیین شده‌اند. بنابراین، با کاربست موازین آن، می‌توان به آرمان‌شهر تمدن بشری دست یافت و زندگی متعادلی برای مردم رقم زد. نظامی با درک درستیکه نسبت به این موضوع داشت، بارها از لزوم توجه به مقوله دین سخن گفته است. او «شاعری ست متدین و دارای اعتقادات عمیق اسلامی که در قول و عمل، در اصول و مبانی دینی، پابرجا بود و این را نه تنها شرح حال‌نویسان او به اتفاق نوشته‌اند، بلکه از خلال اشعارش نیز، دین‌داری و التزام عملی او به دستوره‌های دینی به خوبی آشکار است». (دلیری مالوانی، ۱۳۷۵: ۲۰) بر این پایه، نظامی عقیده دارد که دولت سعادت در سایه

پیوستن به دین طلوع می‌کند. پیر گنجه دین و دنیا را در برابر هم قرار داده، مقایسه می‌کند و با تمثیلی زیبا حکم بر برتری مطلق دین می‌دهد و مخاطبانش را از دنیاگرایی نهی می‌کند.

دولت از دین جوی نز دنیا درین بستان که نیست بوی یوسف با بنفشه، پیرهن با ارغوان
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۴۲)

نظامی رسیدن به آرامش و قرار را در گرو چنگ‌زدن به قرآن می‌داند و بر این عقیده است که آدمی با عملی کردن این ترفند می‌تواند خود را از گزند حوادث در امان نگه دارد. او دین الله را چون عمارتی باشکوه می‌داند که با مرکب رسول الله که همان اسلام است، می‌توان به آن رسید. از این رو، از مردم می‌خواهد از بن دندان به خدمت شریعت درآیند و سعادت خود را تضمین کنند و در هر دو سرای رستگار و نیک‌فرجام شوند.

هم زمین را با خلاق ناموافق شد مزاج هم فلک را با کواکب نامناسب شد قرآن
زین قرآن ایمن شوی، چون چنگ در قرآن زنی مهدقرآن جوی، کآمد مهدی آخرزمان
هرچه نز قرآن ترازوی، برفشان زان آستین هرچه نز ایمان بساطش درنورد آن آستان
چون درین موبک عمارت یافت «قال الله» شد مرکب اندرسایه «قال رسول الله» ران
شرع چون خدمتگری پیش تو می‌بندد کمر رایگانی‌بنده‌ای را بنده‌ای شورایگان
(همان: ۲۴۲)

۶- در نقد مردم بدعمل

نظامی پویایی و بالندگی جامعه را در گرو تحقق این موضوع می‌دید که لایه‌های گوناگون آن متخلف به صفات مثبت باشند و ویژگی‌های مذموم را در خود به پایین‌ترین سطح برسانند. از این رو، همواره به نکوهش و ذمّ کسانی می‌پرداخت که با هنجارشکنی‌هایی نامبارک به ساحت جامعه آسیب می‌رساندند. شاعر از این جماعت با عنوان «سفلگان» یاد می‌کند و مردم را از خدمت کردن به آنها بر حذر می‌دارد و می‌گوید اگر جان بدهی بهتر از آن است که با این دون‌مایگان حشر و نشر داشته باشی. پیر گنجه با طرح و شرح این شاخصه‌ها به مخاطبان خود

یادآور می‌شود که از همنشینی با چنین افرادی بپرهیزند؛ زیرا اینان عاملی مهم در به ابتدال کشیده شدن جامعه هستند.

چسبد به حلق لقمه این مشت تنگ‌دست
 آتش نصیب مشعل از آن شد که نزد خلق
 جان دادن ای پسر، به همه حال بهترست
 تردامند جمله درین کهنه مزرعه
 ام‌البشر عقیم شدی، کاش، تاکنون
 عالم خلاص بودی ازین فرقه دغا
 بر نفس زن تپانچه، مخور مشت بر قفا
 چون سفلگان بود ز پی لقمه‌ای به پا
 کز بهر نان خدمت اینها شوی دوتا ...
 سرگشته و اسیر گلو همچو آسیا ...
 (همان: ۲۲۰-۲۱۹)

۷- فروتنی و نفی غرور

غرور، تصویر وارونه‌ای است که یک فرد، خودخواهانه از خویش ارائه می‌دهد. «خودبینی به عنوان یکی از ویژگی‌های منفی در رفتار ارتباطی درون‌شخصی، همواره مورد توجه بوده است. این رذیله چه از بُعد دینی و چه از بُعد روان‌شناسی و اخلاقی مورد نکوهش قرار گرفته و بر دوری‌گزیدن از آن تأکید فراوان شده است». (جلیلی و نوروز، ۱۳۹۴: ۴۴-۴۳) بر این پایه، نظامی گنجه‌ای به انسان‌های مغرور توصیه می‌کند که چندان به پست و مقام‌های دنیایی خود فخر نبروشند؛ زیرا حتی اگر سلطان باشند، روزی گرفتار چنگال قضا و زمانه می‌شوند.

خود گرفتم که تو سلطانی، ازو غره مشو
 زانکه یک روز قضا روی به سلطان آورد
 (نظامی، ۱۳۶۲: ۲۲۷)

افزون بر آثار منفی فردی، غرور، تأثیرات مخرب اجتماعی هم برجای می‌گذارد؛ زیرا یک جامعه از افراد گوناگون سامان می‌یابد و وقتی مردم حاضر در اجتماع گرفتار چنین آفت اخلاقی مذمومی شوند و تنها در اندیشه تأمین منافع و خواسته‌های خود باشند و به پیرامونی‌هایشان نیندیشند، واضح است که خطرات بزرگی آن جامعه را تهدید خواهد کرد. از دید نظامی، مغروران مورد غضب خداوند هستند و ترحمی در حق آنها صورت نمی‌گیرد. افزون بر این، پیر گنجه با یادآوری ناتوانی‌ها و سستی‌های آدمی، او را از دعوی و خودبرتربینی و در پی آوازه و شهرت بودن برحذر می‌دارد و از مخاطبان خود می‌خواهد که از خودنمایی در بازار بطلان بپرهیزند.

دیده در بخشش او دار که مغروران را
 کام و ناکام هم اکنون سر محشر گیرند
 (همان: ۲۳۰)

ضعف خود می بین و دعوی توانایی مکن
 ای امیر بنده بوده، وی طیب ناتوان
 (همان: ۲۴۶)

۸- چاره اندیشی و آینده نگری

یکی از ویژگی های بارز انسان خردمند توجّه به آینده و اندیشیدن چاره برای رقم زدن آتیه ای روشن است. با تکیه بر این خصیصه می توان خود را در برابر پیشامدهای ناگهانی آینده مصون نگه داشت. نظامی هم، ضمن تأکید بر این منش اخلاقی، سفارش می کند که پیش از رسیدن پیک اجل باید دست به کار شد و عاقبت اندیشی کرد. «اگر نظامی در پایان سرگذشت و حوادث اشخاص داستانی خویش به موعظه و پنددادن خواننده خویش می نشیند، هدفش جلب نظر او به دوراندیشی در زندگانی است، تا باشد از این طریق بتواند شنونده را قانع کند که زندگی را به بازی نگیرد». (ثروت، ۱۳۷۰: ۱۴۸) به باور شاعر، طبیعت آدمی به گونه ای است که در اثر گذر زمان رو به زوال می رود و عجز و ناتوانی بر تن و جان او مستولی می شود. در نتیجه، از همان عوان جوانی باید برای روزهای محنت بار پیری در اندیشه راه چاره ای بود و طرحی نو در انداخت. اگرچه در نگاه اوّل آینده نگری مقوله ای فردی به نظر می رسد، ولی بسیار هویداست جوامع انسانی ای که مردم آن دوراندیش و اهل تدبیر هستند، هرگز در برابر حوادث نابهنگام غافل گیر نمی شوند و از بین نمی روند.

عاقبت جوی شو و کرده خود بر خود نه
 هر که شد خوشه چین روی به دهقان آرد
 خیز و کاری بکن امروز، از آن پیش کاجل
 نامه عمر عزیز تو به پایان آرد
 یاد کن عجز خود آن روز که نیک و بد تو
 عالم السّرّ تو در پلّه میزان آرد
 (نظامی، ۱۳۶۲: ۲۲۸)

۹- ستایش خدمت به مردم نیازمند

توجه به مردم و برآوردن حاجات نیازمندان، به عنوان دغدغه‌ای اجتماعی در شعر سرایندگان ادب فارسی بسامد بالایی داشته است. نظامی عقیده دارد یک جامعه زمانی به بالندگی و شکوفایی می‌رسد که مردم آن در اندیشه خدمت و کمک‌رسانی به یکدیگر باشند؛ به عبارت دیگر، به مثابه پلی برای پیشرفت هم عمل کنند. به این اعتبار، پیر گنجه به مخاطبان خود سفارش می‌کند تا می‌توانند خدمت کردن به خلق را بیاموزند؛ زیرا انسان خادم به مقام و مرتبتی والا دست می‌یابد و همه افراد جامعه یار او می‌شوند و به این ترتیب، غلبه بر دشواری‌ها آسان‌تر خواهد شد.

خدمت آموز که هر کو سر خدمت دارد پایه پایه به درج خواجه محشر گردد...
یاوری کن همه را، تا همه یار تو شوند چون همه یار کشی با تو که یاور گردد؟
(همان: ۲۲۴-۲۲۳)

نظامی برای خدمت به مردم ارزش و روایی بسیاری قائل است، به طوری که این مقوله را از زیارت خانه کعبه برتر و فراتر می‌داند و به مخاطبان خود می‌گوید به جای دل بستن به طواف ظاهری خانه خدا در اندیشه خدمت حقیقی که شاعر از آن با عنوان «خدمت از دور» یاد می‌کند، باشند.

چند گویی کعبه را کان یک به خدمت می‌رسم؟ چون نخواندندت هنوز، از دور خدمت می‌رسان
(همان: ۲۴۶)

۱۰- نکوهش تنبلی و کاهلی

نظامی تنبلی و سستی را نکوهش می‌کند و انسان کاهل را به عنکبوتی مانند می‌کند که در گوشه‌ای می‌نشیند و سرگرم جولاهگی می‌شود؛ عملی که چندان با ارزش و سودرسان محسوب نمی‌شود. شاعر برای ترغیب مخاطب خود به کوشش و فعالیت، از او می‌خواهد در حرکت سایه تدبیر کند که چگونه از بامداد تا شامگاه برای رسیدن به بزرگی همراه و همگام با خورشید جهانتاب است و لحظه‌ای از تکاپو باز نمی‌ایستد. تأکید نظامی بر این مقوله از آن جهت است که

او به خوبی دریافته بود پویایی جامعه در اثر کار و پوییش افراد آن تأمین می‌شود و خمودگی و کاهلی اعضای آن، جز تباهی ثمری نخواهد داشت.

آن کو به کنج خانه نشیمن کند، بود
مانند عنکبوت به جولاهگی سزا ...
با آفتاب سایه که همسایگی کند
نبود جزین که سیر کند صبح تا مسا
ساکن مباش، گرچه به سر بایدت شدن
کآید ز خامه از حرکت حرف دلگشا
(همان: ۲۰۸)

۱۱- عدم تقید به محیط زندگی

اگرچه حب‌الوطن مقوله‌ای ستایش شده در فرهنگ ایرانی به شمار می‌رود، ولی زندگی آدمی از ارزش و اعتبار بالاتری برخوردار است و نباید حیات خود را فدای این امر کرد. نظامی هم، در این راستا عقیده دارد انسان عاقل هرگز خود را به یک مکان مقید نمی‌کند؛ زیرا همه جا آفریده خداوند است و می‌توان در آن زیست. از دید او، حتی اگر مسکن آدمی در بهشت باشد، نباید برای همیشه در آنجا ماندگار شد. شاعر برای اثبات گفته خود از تمثیلی زیبا بهره می‌گیرد و می‌گوید آب روان زندگی بخش است، اما اگر مدت زیادی در یک مکان بماند، خاصیت خود را از دست می‌دهد و زیان‌بار خواهد شد. بنابراین،

گر عاقلی، مباش مقید به هیچ جا
نشیده‌ای که ملک خدا، بنده خدا
جا در بهشت اگر بودت جاودان مباش
آدم نه‌ای، اگر کنی این شیوه را رها ...
آب روان ممد حیات‌ست و چون ستاد
یکجا ز حد زیاده دهد طعم جان‌گزا
(همان: ۲۱۸)

۱۲- فراموش کردن خود

نظامی بر این باور است که هر انسانی با فراموش کردن خویشتن می‌تواند به تعالی روحی و معنوی دست یابد و افزون بر این، سیاهی‌ها برای او به سپیدی و روشنایی بدل گردد. او در این زمینه، ابراهیم خلیل را مثال می‌زند و می‌گوید این پیامبر الهی با نادیده گرفتن خواسته‌های خود و توجه به دستورات الهی به مرتبه حبیب‌اللہی رسید و همه بی‌راهه‌ها برای او به راه تبدیل شد.

آدمی با گذشتن از خویش، می‌تواند وجودش را صرف خدمت به مردم جامعه‌اش کند و برای یاری‌رسانی به افراد اجتماع بیش از پیش و با خلوص افزون‌تری بکوشد. هنگامی که انسان به نیازهای خود واقعی نهد، می‌تواند برای کمک به رفع حاجات خلاق تمرکز کند. پیر گنجی ضمن در نظر داشتن آثار مثبت اجتماعی فراموش کردن خود، عقیده دارد که با رهیدن از خویش می‌توان به وجود حقیقی رسید و زندگی راستین را تجربه کرد.

گام اوّل چو خلیل از در تسلیم درآی تا همه راهزنی پیش تو رهبر گردد
(همان: ۲۲۳)

پای در نه به عدم، دست برآور به وجود تا برین طاق رواق تو مقرر گردد
(همان: ۲۲۵)

۱۳- در اهمّیت توبه

در میان آموزه‌های دینی، عرفانی و تعلیمی که در آیین ادب فارسی منعکس شده است، توبه جایگاه ویژه‌ای دارد. در این باره آمده است که «رجوع از مخالفت حکم حق است به مؤافقت». (سجّادی، ۱۳۷۵: ۲۶۴) همچنین، گفته‌اند توبه «دگرگونی احوال طالب و به دست آوردن حیاتی تازه» است. (شجیعی، ۱۳۷۳: ۳۳) نظامی توبه را اصلی مهمّ در تحوّل روحی افراد می‌داند و عقیده دارد با توجّه به این مقوله می‌توان دل و جان خویش را از زنگار بزه پاک کرد و به نور معرفت صیقل داد. خود شاعر نیز، بارها به توبه‌ها و ندامت‌های خود اشاره کرده و نسبت به بخشندگی حضرت دوست اظهار امیدواری کرده است. به نظر می‌رسد رویکرد جامعه‌شناسانه نظامی به مبحث توبه از آن‌روست که او به تعالی اوضاع و احوال جامعه از راه بهبود وضعیت روحی اعضای آن معتقد است. به سخن دیگر، شاعر، پیشرفت معنوی جامعه را در گرو سلامت روحانی افراد آن می‌داند.

منم آن کس که چو از کرده خویش اندیشم اشک جزعم خبر از صد ره توفان آرد...
بندگان چون به کمال کرمت درنگرند در زمان عذر بد و نیک خود از سر گیرند
(نظامیه ۱۳۶۲: ۲۲۹)

۱۴- تحمل سختی، لازمه رسیدن به خوشبختی

نظامی عقیده دارد که آدمی تنها در سایه کوشش و تلاش می‌تواند به آرامش و سکون دست یابد. از نگاه پیر گنجبه تاب آوردن به دشواری‌ها مقدمه‌ای جهت وصول به خوشبختی و سعادت دنیایی و آن جهانی است. بنابراین، هر دلی که پر از آه و افسوس است، نمی‌تواند چون آتش طوری که موسی (ع) برپا کرد، اثرگذار باشد و یا هر که آب بنوشد، هرگز به مقام و مرتبت خضر نبی نمی‌رسد. در نتیجه، برای رسیدن به معرفت و کمال، همواره باید با سختی‌ها جنگید و در برابر دشواری‌ها ایستادگی نشان داد. اگر دایره این نگرش را تا سطح یک جامعه گسترش دهیم، خواهیم دید حاکم شدن روح مقاومت و مبارزه طلبی آثار مثبتی بر جای می‌گذارد و مایه بالندگی خواهد شد. واضح است مردمی که برای دست‌یافتن به آرامش و خوشی می‌کوشند از بخت بیشتری برای رسیدن به آن هدف برخوردار هستند، تا مردمی که تنها به حرف و سخن بسنده می‌کنند.

نه دلی که آه زند آتش موسی یابد نه کسی که آب خورد خضر پیمبر گردد
ای بسا تلخی دریا که همی باید دید تا خوشاب صدفی دانه گوهر گردد
(همان: ۲۲۳)

نتیجه‌گیری

نظامی گنج‌ای در عرصه ادب فارسی جایگاهی ممتاز دارد و نگرش‌های اجتماعی او در آیینة قصایدش درخور تأمل است. او ضمن آنکه به بازگفت دغدغه‌های مردم و مشکلات جامعه معاصرش پرداخته است، راه‌حلی‌هایی برای بهبود شرایط نابسامان و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی پیشنهاد داده است. پیر گنج‌ای برای تبیین هرچه بهتر نقدهای خود از ادبیات تعلیمی بهره برده تا سخنش دلنشین‌تر گردد. مهم‌ترین نقدهای اجتماعی نظامی در آیینة قصیده‌ها عبارت است از: «نکوهش دنیا و مظاهر آن» با عناوینی چون: الف) بی‌اعتباری و پیمان‌شکنی دنیا ب) نکوهش گردون، ج) دوری‌گزینی از دنیا د) نکوهش ابنای روزگار ه) خوارداشت نفس اماره، «ستایش عدالت‌پروری و نکوهش ستم‌ورزی»، «توجه به حق تعالی و توکل به او»، «نکوهش شیخان ریایی»، «دین‌مداری و توجه به شریعت»، «در نقد مردم بدعمل»، «فروتنی و نفی غرور»، «چاره اندیشی و آینده‌نگری»، «ستایش خدمت به مردم نیازمند»، «نکوهش تنبلی و کاهلی»، «عدم تقید به محیط زندگی»، «فراموش کردن خود»، «در اهمیت توبه» و «تحمل سختی، لازمه رسیدن به خوشبختی». در این بین، دنیا و وابسته‌های آن، از بیشترین بسامد برخوردار بوده است؛ زیرا به باور نظامی سرمنشأ همه بدی‌ها و پلیدی‌ها از دنیاست. اگر آدمی بتواند با آن به مبارزه پردازد و پیروز شود، در عرصه‌های اخلاقی و اجتماعی دیگر هم، کامیاب خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- افضل‌لی، علی، (۱۳۹۲)، «آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی خردنامه‌های فیلسوفان یونان در اقبال‌نامه نظامی»، فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره ۱۶، از ص ۵۷ تا ص ۸۰.
- ۲- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، (۱۳۵۲)، *تمثیل و مثل*، تهران: امیرکبیر.
- ۳- ثروت، منصور، (۱۳۷۰)، *گنجینه حکمت در آثار نظامی*، تهران: امیرکبیر.
- ۳- ثروتیان، بهروز، (۱۳۶۹)، *آئینه غیب‌نمای نظامی در مخزن‌الأسرار*، تهران: کلمه.
- ۴- جلیلی، رضا و نوروز، مهدی، (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی برخی آموزه‌های تعلیمی در اندرزنامه‌های پهلوی و برزنامه (بخش کهن)»، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۲۰، از ص ۳۱ تا ص ۴۸.
- ۵- خان‌محمدی، محمدحسین و هم‌متی، حجت‌الله، (۱۳۹۴)، «انعکاس آموزه‌های تعلیمی در *خمسه نظامی*»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۷، از ص ۱۴۳ تا ص ۱۶۸.
- ۶- دلیری مالوانی، ابراهیم، (۱۳۷۵)، *سخن‌سالار گنجه و مقلدان او*، رشت: طاعتی، چاپ اول.
- ۷- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۷)، *پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد*، تهران: سخن، چاپ سوم.
- ۸- سجادی، جعفر، (۱۳۷۵)، *فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: کتابخانه طهوری، چاپ سوم.
- ۹- شاکر، کریم، (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل اصطلاحات عرفانی در *خمسه نظامی*»، فصل‌نامه تخصصی عرفان، سال پنجم، شماره ۱۷، از ص ۴۷ تا ص ۶۸.
- ۱۰- شجیعی، پوران، (۱۳۷۳)، *جهان‌بینی عطار*، تهران: ویرایش، چاپ اول.
- ۱۱- غزالی طوسی، امام محمد، (۱۳۸۱)، *کیمیای سعادت*، به کوشش حسین خدیو‌جم، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دهم.

- ۱۲- قیصری، حشمت و مهری‌نژاد، رقیه، (۱۳۹۴)، «تأثیرپذیری حافظ از نظامی در آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۶، از ص ۱۲۹ تا ص ۱۵۶.
- ۱۳- گوهرین، صادق، (۱۳۸۸)، شرح اصطلاحات تصوف، ج ۱۰، تهران، زوار، چاپ اول.
- ۱۴- مشهور، پروین دخت و جلیلی، رضا، (۱۳۹۵)، «تأثیرپذیری تعلیمی روضه‌الأنوار خواجه‌سوی کرمانی از مخزن‌الأسرار نظامی گنجوی»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره ۲۹، از ص ۱۷۱ تا ص ۲۰۵.
- ۱۵- مک‌دونالد، م.و، (۱۳۷۱)، «دیدگاه‌های اجتماعی و مذهبی نظامی گنج‌ای»، مجموعه مقالات فرهنگ؛ ویژه‌نامه نظامی، به کوشش ابوالقاسم رادفر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، چاپ اول، از ص ۴۳۱ تا ص ۴۳۸.
- ۱۶- ناصری، ناصر و حسن‌زاده، شهریار، (۱۳۹۴)، «مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۵، از ص ۱۴۷ تا ص ۱۸۴.
- ۱۷- نظامی گنجوی، الیاس، (۱۳۶۲)، دیوان قصاید و غزلیات، با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران، فروغی، چاپ پنجم.